



انسان جهاد مشاوره‌ای اسان کونان



انگاه کبداوس



اهمیت و ارزش شتر در قرآن و متون دینی

علی نوری

عضو هیئت علمی دانشگاه گنبد کاووس

Alinori57@yahoo.com

چکیده

در قرآن و متون روایی ما مسلمانان از حیوانات زیادی نام برده شده است اما هیچ حیوانی به اندازه شتر مورد توجه قرآن قرار نگرفته، زیرا در قرآن حدود بیست و هفت مرتبه با نام های متفاوت - مانند ابل در آیه ۱۴۴ سوره انعام و ۱۷ سوره غاشیه آمده است که برای گله های شتر بوده ولی در قرآن برای یک شتر استفاده شده، واژه انعام در آیات ۱ سوره مائده، ۱۳۸ سوره انعام، ۱۴ سوره آل عمران، ۵ سوره نحل و ۲۴ سوره یونس که جمع نعم در آیه ۹۵ سوره مائده است معمولاً برای شتر بکار رفته است. اسامی دیگری مانند بعیر (یوسف / ۷۲ و ۶۵)، بدن (حج / ۳۶)، مال (نحل / ۶)، حام (مائده / ۱۰۳)، بحیره (مائده / ۱۰۳)، سائبه (مائده / ۱۰۳)، عشار (تکویر / ۴)، اوبار (نحل / ۸۰)، ضامر (حج / ۲۷)، جمل (اعراف / ۴۰)، ناقه (هود / ۶۴)، اعراف / ۷۴، شمس / ۱۳، شعرا / ۱۵۵ و اسرا / ۵۹) - بکار رفته است که هر کدام دارای تفسیر و توضیح خاص خود می باشد. با توجه به اینکه قرآن در جزیره العرب نازل شده و در آنجا شتر به فراوانی یافت می شده و در ادبیات محاوره ای آنان، برای شتر در سنین متفاوت و با توجه به تعداد و جنس بچه ای که به دنیا آورده است اسامی برای آن جعل و وضع می کردند. در این پژوهش با تحقیق کتابخانه ای و استفاده از تفاسیر معتبر به توضیح این آیات پرداخته می شود. در اهمیت شتر همین بس که همانند آسمان، زمین و کوهها از آیات و نشانه های خداوند معرفی شده است، در سوره غاشیه آیه ۱۷ می فرماید: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَيَّ الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» چرا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است؟

کلیدواژه: قرآن - ابل - ناقه - متون دینی - جمل

معاونت علوم و فناوری ریارت جمهوری هادنت پژوهشی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، موسسه تحقیقات علوم دامی ایران، بنجران علوم شتر ایران،



مقدمه

از توجه دقیق به آیات قرآن و روایات اینگونه بدست می آید که خدای متعال همه مخلوقات و موجودات در عالم را برای انسان و بهره برداری او آفریده است آیاتی در قرآن که می گوید: «خَلَقَ لَكُمْ» (بقره ۲۹) یا «سَخَّرَ لَكُمْ» (نه مرتبه در قرآن) اشاره به این مطلب دارد که در نظام هستی انسان گل سر سبد خلقت بوده و آنچه در آسمان و زمین است برای اوست. هدف از خلقت انسان نیز خداشناسی و خداپرستی و در مراحل بالاتر رسیدن به لقاء الهی است که آن معرفت و سیر الهی هم، نیاز به ابزار و امکانات خود دارد، در قرآن آنجا که انسان را دعوت به تفکر در آسمانها و زمین می کند، به یکی از موجودات عظیم و عجیب در عالم مثال می زند و آن هم نیست مگر شتر، اگر به سوره غاشیه ملاحظه شود بعد از اینکه خداوند بحثهایی پیرامون بهشت و نعمتهایش بیان می کند از کلید اصلی وصول به آن نعمتها که «معرفت الله» است سخن به میان آمده و چهار نمونه از مظاهر قدرت خداوند، خلقت بدیع خدا و دعوت انسان به مطالعه درباره آنها راه ورود به بهشت را نشان می دهد، در ضمن اشاره ای به قدرت بی پایان خداست. ابتدا می فرماید: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ؟ آیا آنها به شتر نمی نگرند چگونه آفریده شده؟». (غاشیه/۱۷) در این مقاله از تفاسیر معتبر استفاده شده است و هدف از نوشتن آن اهمیت حیوانات بویژه شتر در آیات قرآن که کتاب مقدس و مورد احترام همه مذاهب اسلامی می باشد (مکارم شیرازی، ج ۲۶، ص ۴۲۷).

دلیل اهمیت شتر

در اینکه چرا در این آیات قبل از هر چیز بر مساله آفرینش " شتر " تاکید شده است مفسران سخنان بسیار دارند، ولی پیداست که روی سخن در مرحله نخست به اعراب مکه بود که " شتر " همه چیز زندگی آنها را تشکیل می داد و شب و روز با آن سروکار داشتند.

از این گذشته این حیوان ویژگیهای عجیبی دارد که او را از حیوانات دیگر ممتاز می کند و به حق، آیتی است از آیات خدا، از جمله این که:

۱- بعضی از چهارپایان تنها از گوشتشان استفاده می شود و بعضی دیگر غالباً از شیرشان، بعضی دیگر تنها به کار سواری می آیند، و بعضی برای باربری؛ اما شتر حیوانی است که تمام این جهات در آن جمع است، هم گوشتش قابل استفاده است و هم شیرش هم از آن برای سواری و باربری استفاده می شود.



۲- شتر نیرومندترین و مقاوم ترین حیوان اهلی است، بار زیادی با خود می برد و عجیب آنکه به هنگامی که خوابیده است بار سنگینی را بر او می گذارند و او با یک حرکت برمی خیزد و روی پا می ایستد، در حالی که چهارپایان دیگر قدرت چنین کاری ندارند.

۳- شتر می تواند روزهای متوالی (حدود یک هفته الی ده روز) تشنه بماند و در مقابل گرسنگی نیز تحمل بسیار دارد.

۴- شتر می تواند هر روز مسافت های طولانی را طی کرده، و از زمینهای صعب العبور و شنزارهایی که هیچ حیوانی قادر به عبور از آن نیست بگذرد و به همین دلیل عربها آن را "کشتی بیابانها" می نامند.

۵- او از نظر تغذیه بسیار کم خرج است و هرگونه خار و خاشاکی را می خورد.

۶- او در شرایط نامناسب جوی در میان طوفانهای بیابان که چشم و گوش را کور و کر می کند با وسائل خاصی که خداوند در پلک ها، گوش ها و بینی او آفریده، مقاومت کرده و به راه خود ادامه می دهد.

۷- شتر با تمام قدرتی که دارد از رام ترین حیوانات است به طوری که یک کودک خردسال می تواند مهار یک قطار شتر را در دست گیرد و هدایت کند. خلاصه اینکه ویژگیهای این حیوان چنان است که دقت در آفرینش او انسان را متوجه خالق بزرگی می کند که آفریننده چنین موجودی است. آری قرآن می گوید آیا این گمشدگان وادی غفلت به اسرار شگفت انگیز این موجود نمی اندیشند، تا راهی به حق یافته و از بیراهه بازگردند (مکارم شیرازی، ج ۲۶، ص ۴۲۷).

اسامی شتر در قرآن

شتر از حیواناتی است که در قرآن کریم بارها نام آن ذکر شده است. در قرآن حدود بیست و هفت مرتبه از شتر با نام های گوناگون مانند: بعیر، جمل، ناقه، ابل، انعام و . . . یاد شده است.

در زبان عرب، با توجه به صفات شتر و تعداد و جنس فرزندان آن نام های مختلفی بر شتر نهاده اند که هر اسم خصوصیتی دارد. قرآن کریم نیز به بعضی از این نام ها مانند: بحیره، بدن، سائبه، حام، ضامر، عشار و . . . اشاره کرده است. و در ادامه به برخی از این اسامی اشاره می شود.

بَحِيرَةٌ:

به ماده شتری می گفتند که پنج بار زاییده بود و پنجمین آنها ماده- و به نقلی نر- بود، گوش چنین حیوانی را شکاف وسیعی می دادند، و آن را به حال خود آزاد می گذاشتند و از کشتن آن صرف نظر می کردند. چنین شتری در جاهلیت عرب مورد احترام بود، برای سواری یا بارکشی از آن استفاده نمی کردند و پشم و کرکش را نمی چیدند و از هیچ اب و گیاهی منعش نمی کردند و کسی حق آزار آن را نداشت و برای اینکه شناخته شود گوش او را چاک می دادند. (طبرسی، ج ۱، ص ۳۵۶)



«بحیره» از ماده «بحر» به معنای وسعت و گسترش است و اینکه عرب دریا را بحر می گویند به خاطر وسعت آن است، و اینکه بحیره را به این نام می نامند به خاطر شکاف وسیعی بود که در گوش آن ایجاد می کردند. (اصفهانی، ص ۳۵) این کلمه در سوره مائده آیه ۱۰۳ آمده است.

«مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَا لِكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ؛ خداوند هیچ گونه «بحیره» و «سائبه» و «وصیله» و «حام» قرار نداده است [اشاره به چهار نوع از حیوانات اهلی است که در زمان جاهلیت، استفاده از آنها را بعلی حرام می دانستند؛ و این بدعت، در اسلام ممنوع شد.] ولی کسانی که کافر شدند، بر خدا دروغ می بندند؛ و بیشتر آنها نمی فهمند» (مائده/۱۰۳) (مکارم شرازی، ج ۵، ص ۱۰۳).

سَائِبَةٌ:

برای سائبه چند معنا گفته شده است:

الف- شتری بوده که دوازده - و به روایتی ده - بچه می آورد، آن را آزاد می ساختند و حتی کسی سوار بر آن نمی شد و به هر چراگاهی می رفت آزاد بود و از هر چشمه ای آب می نوشید کسی حق مزاحمت آن را نداشت، فقط گاهی از شیر آن می دوشیدند و به مهمان می دادند.

ب- شتری که مردم برای بت آزاد می کردند.

ج- شتری که به واسطه نذر آزاد می شد و از شیر و پشمش استفاده نمی شد (مکارم شیرازی، ج ۵، ص ۱۰۳).

د- شتری که پنج فرزند زنده به دنیا می آورد (اصفهانی، ص ۲۵۸).

این کلمه نیز در سوره مائده آیه ۱۰۳ آمده است.

بُذْنٌ:

بدن به معنای جسد است و آن هم به اعتبار بزرگی جنه، (اصفهانی، ص ۳۷) ولی در آیه قرآن بدن به معنای شتر چاق و قوی هیکل است که برای قربانب در ایام حج به مکه و منی می برند. این کلمه در سوره حج آمده و جزء شعائر الله معرفی شده است.

«وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعَمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ وَ شترهای چاق و فربه را (در مراسم حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم؛ در آنها برای شما خیر و برکت است؛ نام خدا را (هنگام قربانی کردن) در حالی که به صف ایستاده اند بر آنها ببرید؛ و هنگامی که پهلوهایشان آرام گرفت (و جان دادند)، از گوشت آنها بخورید، و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید! این گونه ما آنها را مسخرتان ساختیم، تا شکر خدا را بجا آورید» (حج/۳۶).



انسان جهاد مشاوره اسلامی کلان



انگاه کبریا کلاوس



حام:

حام اسم فاعل از ریشه حمایت و به معنای حمایت کننده می باشد، به شتر نری می گفتند که از وجود آن برای تلقیح حیوانات ماده استفاده می شد، هنگامی که ده بار از آن برای تلقیح استفاده می کردند ، و هر بار فرزندی از نطفه آن به وجود می آمد، می گفتند: این حیوان پشت خود را حمایت کرده ، یعنی کسی حق سوار شدن بر آن را ندارد. این کلمه نیز در سوره مائده آیه ۱۰۳ آمده است. (طبرسی، ج ۱، ص ۳۵۶).

ضامر:

ضامر به شتری که بر اثر بار کشیدن و یا سوار شدن، لاغر شده و همچنین به شترانی که راه طولانی طی کرده و به مکه و حرم رسیده باشند ضامر می گویند، (اصفهانی، ص ۳۰۸) این کلمه در سوره حج آیه ۲۷ آمده است. «وَ اُذُنٌ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا وَّ عَلٰی کُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِیْنَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ؛ و مردم را دعوت عمومی به حج کن؛ تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راه دوری بسوی تو بیایند... (حج/۲۷).

عشار:

عشار جمع عشاء، در اصل به معنای شتر ماده بارداری است که ده ماه بر حمل او گذشته، و در آستانه آوردن بچه است یعنی چیزی نمی گذرد که شتر دیگری از او متولد می شود، و شیر فراوان در پستان او ظاهر می گردد. در آن روز که این آیات نازل شد چنین شتری بارزشتترین اموال عرب محسوب می شد و جالب اینکه این آیه نیز در کنار آیات روز رستاخیز آمده است که در آن روز انسان نفیس ترین اموال خویش را فراموش می کند. (مکارم شیرازی، ج ۲۶، ص ۱۷۳) این کلمه در سوره تکویر آیه چهار آمده است. «وَ اِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ؛ و در آن هنگام که با ارزش ترین اموال به دست فراموشی سپرده شود» (تکویر/۴).

نعم:

یکی از کلماتی که در قرآن هفت مرتبه آمده و سوره ای هم به نام آن داریم انعام است که در آیات و روایات به معنای گاو، گوسفند و شتر است، اما برخی از لغت دانان مانند راغب اصفهانی تصریح دارند که معنای اصلی و واقعی انعام شتر است (والنعم مختص بالابل و جمعه انعام) و زمانی بر گاو و گوسفند استعمال می شود که شتر هم جزء آنان باشد. (اصفهانی، ص ۵۲۰) شتر را نعم گفته اند چون آرام و بدون سرو صدا حرکت می کند، البته به شتر ، گاو و گوسفند نیز نعم می گویند درباره کفار صید در حال احرام در سوره مائده آیه ۹۵ به نعم اشاره شده است. «یا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقْتُلُوْا الصَّیْدَ وَ اَنْتُمْ حُرْمٌ وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ یَحْکُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال احرام، شکار نکنید، و هر کس از شما عمداً آن را به قتل برساند، باید کفاره ای معادل آن از چهارپایان بدهد؛ کفاره ای که دو نفر عادل از شما، معادل بودن آن را تصدیق کنند» (مائده/۹۵).

معاونت علوم و فناوری ریارت جمهوری مهاباد پژوهش وزارت علوم تحقیقات و فناوری، موسسه تحقیقات علوم دامی ایران، نهمین علم شتر ایران،



جمل:

جمل به شتر نر و مذکر گفته می‌شود زمانی که به سن چهار سالگی و یا دو سالگی برسد. (لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۲۳) در قرآن آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتِّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ؛ کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و در برابر آن تکبر ورزیدند، (هرگز) درهای آسمان به رویشان گشوده نمی‌شود؛ و (هیچ گاه) داخل بهشت نخواهند شد مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد! این گونه، گنهکاران را جزا می‌دهیم! (اعراف/۴۰). (طبرسی، ج ۱، ص ۴۳۷)

ناقه:

در قرآن هفت مرتبه واژه ناقه (شتر ماده) آمده است که بیشتر اشاره به شتر حضرت صالح دارد که قوم او آن را پی کردند و یکی از حیواناتی است که مقدس بوده و خدای متعال برای هدایت آن قوم از دل کوه خارج کردند. (طبرسی، ج ۱، ص ۴۴۷) این شتر برای امتحان قوم ثمود بود لذا در قرآن می‌خوانیم: «إِنَّا مُرْسَلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَأَرْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ؛ ما «ناقه» را برای آزمایش آنها می‌فرستیم؛ در انتظار پایان کار آنان باش و صبر کن!» (قمر/۲۷).

نحر شتر

در فقه و شریعت اسلام حیوانات برای حلال شدن باید ذبح شوند یعنی گردن آنها بریده شده و چهار رگ - اوداج اربعه - قطع شود حلال می‌گردد، آنگونه که در رساله‌های عملیه موجود است، فقط شتر است که باید نحر شود و و کشتن به غیر از نحر گوشت آن حلال نخواهد شد (اصفهانی، ص ۵۰۵).

نحر از نظر لغت گودی زیر گردن بالای سینه را می‌گویند و چون طریق کشتن شتر آن است که کارد را بعد از روی به قبله کردن شتر و گفتن نام خدا در این گودی فرو برند تا بر اثر آن شتر کشته شود لذا درباره شتر تعبیر به نحر کردن می‌نمایند و اگر در حال اختیار به غیر این طریق او را بکشند پاک و تزکیه نمی‌شود و خوردن گوشت آن حلال نمی‌شود (توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۷۸).



نتیجه

از مجموعه مطالب موجود در قرآن که با نام های متعدد درباره شتر آمده است ما به اهمیت آن پی می بریم در بحث خداشناسی - توحید که از اصول اعتقادی مسلمانان است - توصیه به تفکر در این حیوان شده است، در قرآن هفت مرتبه واژه ناقه به معنای شتر ماده آمده است ، ابل، بحیره، سائبه، عشار و . . . همه از اهمیت این حیوان در قرآن دارد. در فقه اسلامی در بحث دیه از شتر و در برخی روایات از خاصیت دارویی ادرار شتر مطالبی بیان شده و همین طور در ذبح شرعی نوع خاص ذبح شتر از موارد قابل بحث و مهم می باشد که در جای خودش بررسی می شود. از آنجا که عرب عصر نزول قرآن با شتر سرگرم بوده و اسامی زیادی برای آن قرار داده بودند در قرآن نیز این اسامی آورده و برخی از اعتقادات جاهلی آنها را از بین بردند که نمونه آن در آیه ۱۰۳ سوره مائده می باشد.

منابع

قرآن مجید (ترجمه آقای فولادوند)

۱. مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، تحقیق ندیم مرعشلی، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۶، چاپخانه حیدری.
۲. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۱، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵.
۳. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۱، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۶.
۴. تفسیر جوامع الجامع، طبرسی، فضل بن حسن، تصحیح: ابوالقاسم گرجی، چاپ سوم، سمت، زمستان ۱۳۷۷.
۵. توضیح المسائل مراجع.
۶. لسان العرب، الافریقی، جمال الدین ابن منظور، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.